

حالا وقت عمل‌گرایی است

دبیر کل حزب ندای ایرانیان در گفت‌وگویی اختصاصی با «اعتماد»:

حزب ندا خواستار توقف دستور معاون دادستان مشهد شد

مهدي بيك اوغلي

از مردادماه 93 زمان ثبت درخواست مجوز حزب ندای ایرانیان از وزارت کشور تا 31 تیرماه و موعد برگزاری هفتمین کنگره حزب ندا که با انتخابات شورای مرکزی و تغییر رهبران حزب به پایان رسید، ندای ایرانیان مسیر پر فراز و نشیبی را برای تبدیل شدن به حزبی که قادر است اعتماد بخشی از گروه‌های سمپات و فعالان سیاسی را جلب کند، طی کرده است. مسیری که باعث شد ابهام‌های فراوان پیش روی فعالیت‌های این حزب، جای خود را به چشماندازهای روشنی دهد که ندا را در جایگاه حزبی که قادر است با بدنه جوان و نوآور اصلاحات ارتباط برقرار کند، می‌نشانند. نخستین نشست غیررسمی حزب ندای ایرانیان سال 93 در مراسم عزاداری محرم در منزل صادق خرازی شکل گرفت، م‌راسمی که در آن برخی از نزدیکان و جوانان فعال سیاسی در این حزب و تعدادی از شخصیت‌های سیاسی مانند سید محمد خاتمی، غلامحسین کرباسچی، جواد ظریف، محمدرضا خاتمی، مرحوم محمود دعایی، علی جنتی، اسحاق جهانگیری، محمود واعظی و... شرکت کردند. بسیاری از منتقدان ندای ایرانیان در سال‌های ابتدایی دهه 90 با این استدلال که این حزب با هدف ایجاد انشقاق در طیف اصلاحات تشکیل شده، رهبران حزب را می‌نخواستند، اما حضور چهره‌هایی چون صادق خرازی (مشاور ارشد سید محمد خاتمی، نماینده پیشین ایران در سازمان ملل و سفیر اسبق ایران در فرانسه) همراه با نام‌هایی چون شهاب‌الدین طباطبایی (رییس سابق شاخه جوانان حزب مشارکت) و... باعث شد تا ارتباط نزدیک این حزب با اصلاح‌طلبان هرگز منقطع نشود. با عبور از سال‌های ابتدایی فعالیت‌های حزب که 8 سال نخست حیاتش را در بر می‌گرفت، 31 تیرماه 1401، تغییرات قابل توجهی در هیات رهبری حزب ندای ایرانیان رخ

داد که مبتنی بر این تغییرات می‌توان تصویری از احتمالات آینده نیز به دست آورد. انتخاب شهاب‌الدین طباطبایی به عنوان دبیر کل به جای صادق خرازی هرچند در ظاهر نیز واجد معانی خاصی است، اما بسیاری تحلیلگران معتقدند این تغییر به معنای شکستن پوسته محافظه‌کاری و احتیاط قبلی و ورود به عصر تازه فعالیت‌های پراگماتیستی خواهد بود. اینکه تا چه اندازه این ارزیابی‌های تحلیلی می‌تواند نسبتی با واقعیت پیدا کند یا نه؟ نیازمند گذشت زمان و بررسی محتوایی عملکرد رهبران این حزب است، اما بررسی مانیفست کنگره هفتم این حزب بیانگر این واقعیت روشن است که ندای ایرانیان تلاش دارد ارتباط ملموسی با مطالبات مردم در دوره جدید فعالیت‌هایش برقرار سازد. روز گذشته نیز خبر رسید که حزب ندای ایرانیان شکایتی را در دیوان عدالت اداری در خصوص بخشنامه معاون دادستان شهر مشهد گشوده است تا به‌زعم خود از ظرفیت‌های قانون اساسی برای پیگیری مطالبات مردم ایران استفاده کند. مبتنی بر یک چنین واقعیت‌هایی، «اعتماد» گفت‌وگویی را با شهاب‌الدین طباطبایی دبیر کل حزب ندای ایرانیان ترتیب داد تا درباره دغدغه‌ها، هنجارها و آرمان‌های حزب در دوران جدید فعالیت‌هایش گفت‌وگو کند. طباطبایی با بازخوانی مشکلات فعالیت‌های حزبی در ایران از ضرورت آپدیت و به‌روزرسانی فعالیت‌های سیاسی در ایران سخن می‌گوید. رویکردی که از دید این فعال سیاسی و رسانه‌ای جز با میدان دادن به جوانان شکل نخواهد گرفت.

وقتی با چهره‌های مختلف سیاسی صحبت می‌شود اغلب از پا نگرفتن فعالیت‌های حزبی گلیه می‌کنند، این فقدان از کجا ناشی می‌شود؟ ذهن ایرانی؟ شیوه حکمرانی؟ یا چیز دیگری؟ به عنوان یک فعال رسانه‌ای و سیاسی، مهم‌ترین چالش‌های پیش روی فعالیت‌های حزبی را چه می‌دانید؟

مهم‌ترین چالش ما فعالان حزب «نامحرمی» است. یعنی وقتی نظام سیاسی به احزاب به چشم محرم و یار و همراه نگاه نکند و تصور «رقابت و حتی عداوت» داشته باشد این وضع پیش می‌آید. حالا چرا بین احزاب و سیستم سیاسی در ایران رفاقت وجود ندارد و این یک دلی و همراهی حاصل نشده دلایل و علل مختلفی می‌توان ذکر کرد. مرحوم داوود فیروزی (نظریه پرداز و پژوهشگر علوم سیاسی و اندیشه سیاسی اسلام و استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران) می‌گفت قوانین م‌کمل، مثل قانون انتخابات، جوری تدوین نشده که احزاب از نظر ساختاری در نظم سیاسی ادغام شوند و این «محرمیت» ایجاد شود. خب حالا علل ساختاری وجود دارد، ولی چرا افراد و نخبگان حاکم با ما همدلی نمی‌کنند؟ این را باید جدا بررسی کرد شاید ابعاد روانشناختی قضیه هم دخیل باشد. از آن طرف هم ممکن است حاکمیت هم حرف‌ها و دلایلی داشته باشد. هنوز هم

باور دارم با يك گفتوگوي متوازن و همدلانه و نه از بالا به پايين و با پيشذهنيتهاي عجيب و غريب تا دير نشده، ميشود و بايد حرف زد، تعامل و گفتوگو ايجاد كرد.

اين بيگانگي مردم و افكار عمومي با احزاب سياسي از كجا نشات ميگيرد؟ اين در حالي است كه در دهه 70 و 80 خورشيدي، مردم قرابت نزديك با گفتمان اصلاحات احساس ميکردند.

امروز در وضعيتي هستيم كه بخش چشمگيري از جامعه، نه تنها با دولت كه حتي با احزاب اصلاحطلب هم فاصله زيادي دارند. متاسفانه به جايي رسيدهايم كه حتي ۳۲ حرف الفبائي فارسي براي هر يك از ارکان جامعه تعريف متفاوت دارد، «الف» من را ممكن است حاكميت «ي» برداشت كند و مردم «ق» بينند، «ح» حاكميت را من ممكن است «س» بينم و مردم «ي» برداشت كنند. در مجموع در اكثر موارد همه باهم در حال فاصله گرفتن هستيم و در اين ميان آنچه فراموش شده مردم و مطالبات آنان است، شخصا نگرانم آنچه در اين ميان قرباني ميشود منافع ملي است.

فكر ميكنم بخشي از چشمانداز پيش روي حزب ندائي ايرانيان را بتوان از بيانيه اخير حزب در كنگره روزهاي گذشته استخراج كرد، دست گذاشتن روي مطالبات جدي و جاري مردم و تلاش براي ايجاد ديالوگ ميان مردم و حاكميت رويكرد جديدي است كه ندا در اين دوره جديد با رهبران تازه دنبال ميكنند. اين تفسير، تفسير درستي است؟

عموما بيانيه يا همان مانيفست، يعني جايي كه شما فشرده و عصاره باورها و عقايد و مرام خودتان را به نمايش ميگذاريد. ما بارها گفتهايم كه فقط يك چيز ميخواهيم: «تامين منافع ملي در عرصه بينالملل؛ تضمين حقوق شهروندي در حوزه ملي». در اين بيانيه نيز، باز هم تاكيد كردهايم «مطالبات مردم»، «مطالبات مردم». كار كرد احزاب هم چيزي جز اين نيست. فلان كشاورز در روستايي دورافتاده در زاهدان، يا معلمي در شهرستاني دور دست در آذربايجان، يا يك شهروند معلول، يا مانند اينها؛ اينها مطالبات خاص خودشان را دارند و وظيفه حكومت رسيدگي به اينهاست. چه كسي تريبون اينها ميشود؟ چه كسي بايد اين خواستهها و مطالبات را جمع كند و ببرد به درون دستگاههاي متولي و آنها را پيگيري كند؟ اگر ما به عنوان نهاد مدني اين كار را نكنيم و واسطه ميان دولت و ملت نباشيم، به قول علماء در حوزه حزب «سالبه به انتفائي موضوع» شدهايم، يعني همان زنبور بي عسل به تعبير سعدي.

نحوه مواجهه حزب ندا با چالشهاي كشور و مطالبات مردم چگونه خواهد بود؟

در حوزه مطالبات و مسائل همچنان به يك اصل باور داريم، ميدانيد وقتي موضوع يا پديدهاي به هر دليلي تبديل به مساله ميشود، به طور

طبیعی تضادها و تعارضاتی و البته تنش‌هایی حول آن مساله ایجاد می‌شود. جمله معروفی است که واکنش ما به مشکلات مهم‌تر از خود مشکل است، اینجاست که معتقدم نوع مواجهه با مسائل پیش آمده بیش از اصل مساله اهمیت پیدا می‌کند. از آن بیشتر، حل درست مساله با کمترین هزینه بستگی به نوع برخورد همه ذینفعان دارد. ما تلاش می‌کنیم حتی با وجود مشکلات و مسائل و بدبینی‌هایی که وجود دارد تا حد امکان از چارچوب قانونی و استفاده از همه ظرفیت‌هایی که در قانون اساسی وجود دارد در درون سیستم سیاسی و نه علیه آن استفاده کنیم، نمونه‌اش همین شکواییه به دیوان عدالت اداری درباره یک دستور که بر خلاف مواد قانون اساسی و محدودکننده حقوق شهروندی است.

مساله فرسودگی يك بحث جدي در نظام سياسي و مدیریتی و حزبی کشور است. حضور نسل‌های دوم و سوم اصلاحات در روند ایده‌پردازی و گفتمان‌سازی برای اصلاحات را چقدر موثر میدانید؟

هر سیستمی دارای دو بُعد است: سخت‌افزار و نرم‌افزار. سیستم سیاسی هم سخت‌افزارهایی دارد که نهادها و ابزارآلات آن است و یکسری نرم‌افزار هم دارد که نخبگان و آیین‌نامه‌های آن است. مثل هر سیستم دیگری شما نیاز دارید نظم سیاسی را هم «آپدیت» کنید؛ «به‌روزرسانی» نرم‌افزاری سیستم خیلی مهم است والا «اکسپایر» یا «تاریخ مصرف گذشته» می‌شوید. در دنیایی با این سرعت تغییرات، حتی باید به‌روزرسانی‌ها را هم افزایش داد. حالا در همه ابعاد که یکی از آنها هم تربیت بروکرات‌ها و دیپلمات‌ها و سیاسیون و مدیران است. ما باید «نیمکت ذخیره» داشته باشیم. یعنی ظریف در میدان دیپلماسی است، شما باید سه تا در لول و تراز ایشان تربیت کرده باشید و روی نیمکت ذخیره نشانده باشید. یا در عرصه سیاست داخلی هم همین‌طور. ما بعضاً از نیمکت ذخیره غافل می‌شویم و خلاصه یک‌باره پشت‌مان خالی می‌شود. پس فرسودگی یعنی از يك سو، عدم به‌روزرسانی نرم‌افزاری سیستم و از سویی دیگر خالی شدن نیمکت ذخیره‌ها از جانشینان هم‌تراز. اگر بپذیریم احزاب مدارس کادرسازی برای نظم سیاسی هستند، معتقدم لازم و بلکه ضروری است تغذیه نیمکت ذخیره را از همین احزاب شروع کنیم.

حزب ندا خواستار توقف دستور معاون دادستان مشهد شد

13 تیرماه بود که اخباری در فضای عمومی کشور پیرامون بخشنامه اسماعیل رحمانی معاون دادستان مشهد برای عدم ارائه خدمات اداری، بانکی و... به بانوان فاقد حجاب منتشر شد. بخشنامه‌ای به سرعت برق و

باد فضای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی را طی کرد و وایرال شد. رحمانی معاون دادستان در نشست هماهنگی ستاد برگزاری اولین نمایشگاه تخصصی خانواده استان خراسان رضوی اظهار داشت که نامه‌ای به فرمانداری ارسال کرده و از فرماندار مشهد خواسته است که خدمات به افراد بدحجاب را در اداره‌ها و بانک‌ها ممنوع کنند. بلافاصله پس از انتشار این خبر، اما افکار عمومی ایرانیان با طرح این پرسش که تا چه اندازه‌ای نوع برخوردهای سلبی باعث ترویج و تشویق بانوان به استفاده از حجاب خواهد شد؟ تلاش می‌کردند، تصویری از احتمالات آینده به دست آورند. حزب ندا با ثبت شکواییه در دیوان عدالت اداری، خواستار توقف دستور معاون دادستان مشهد در خصوص عدم ارائه خدمات به خانم‌های فاقد حجاب شد. حدود 25 روز پس از این ماجرا، روابط عمومی و اطلاع‌رسانی حزب ندای ایرانیان از ثبت شکواییه در دیوان عدالت اداری، مبني بر درخواست ابطال نامه معاون دادستان مشهد در خصوص عدم ارائه خدمات به خانم‌های فاقد حجاب خبر داد. در این دادخواست رسمی که از طرف تیم حقوقی حزب و به وکالت از دبیرکل نگاشته شده با اشاره به اصول ۱۹ و ۳۷ قانون اساسی و مواد مختلف قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، از رییس دیوان عدالت اداری خواسته شده به منظور ضرورت احترام به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و جلوگیری از اقدامات خودسرانه افراد، دستور معاون دادستان مشهد را باطل کند. در این دادخواست رسمی تاکید شده: نامه معاون دادستان مشهد، خلاف قانون و خارج از ضابطه صادر شده و ضمن اینکه بدعتی در زمینه اعمال نظر شخصی افراد محسوب می‌شود، زمینه خدشه به وجه نظام جمهوری اسلامی را فراهم کرده است. ماه گذشته معاون دادستان مشهد در نامه‌ای به شهردار مشهد خواستار ممنوعیت خدمات‌دهی مترو به افراد فاقد حجاب شرعی شده بود. در پی این دستور، شهردار مشهد در واکنش به این نامه مقام قضایی، ضمن اشاره به عدم پشتوانه قانونی این دستور که خلاف صحبت‌های رهبر معظم انقلاب نیز هست، گفته بود که صرفاً به دلیل اصرار مقام قضایی این دستور را جهت اجرا ابلاغ کرده است. حقوقدانان حزب ندای ایرانیان به پشتوانه اصول متعدد حقوقی با ثبت این شکواییه رسمی، ابطال این دستور را تا حصول نتیجه نهایی دنبال خواهند کرد.